

# اجتهاد در مقابل نص

## پذیرفتنی نیست.

نویسنده محترم این مقاله ادعا میکنند که در آثار منطقی ابن سینا تحقیق کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که ابن سینا «فن شعر» را بیرونی از ارگانون افسانه‌ی منسوب به ارسطو در برخی آثارش جزو منطق آورده است ولی خود وی آنرا جزء منطق نمیدانسته، بهمین دلیل در کتاب اشارات آنرا به کناری نهاده است. البته ایشان برای توجیه مدعای خویش نقل قولهایی از ابن سینا آورده بدون اینکه به محتوا و مفاد واقعی آنها توجه نمایند و نیز در مواردی به دلایل ناکارآمد و بدون تناسب با محتوا متشبه شده‌اند که ناشی از عدم توجه ایشان به تعریف منطق ارسطویی و گستره شمول آنست؛ مانند اینکه چون قیاس شعری موجب تصدیق یقینی نیست پس نباید جزو منطق باشد در حالیکه ابن سینا در هیچیک از آثار منطقی خود در موضوعات منطق، تصدیق یقینی را شرط نمیداند.

البته قابل ذکر است که اگر ایشان در منطق ارسطویی تخصصی میداشتند و بعنوان یک نظریه‌پرداز منطق‌دان، منطق را بگونه‌ی تعریف میکردند که تنها شامل قیاسات برهانی شود، هیچ مشکلی نبود. اما نسبت دادن انگاره شخصی به دانشمندان صاحب‌نظر مغالطه‌ی برای موجه جلوه دادن آن و بدور از اخلاق پژوهشگری است. به هر روی، ما در اینجا نظریات صریح ابن سینا درباره قیاسات شعری را بنقل از همه آثار منطقی وی به اختصار می‌آوریم تا معلوم شود که اظهار نظر نویسنده مقاله، اجتهاد در مقابل نص است:

الف. منطق شفا، ص ۱۸:

غایت علم منطق اینست که انواع گفتارها را بشناسد: ۱- تصدیق یقینی غیرقابل نقض (برهان) ۲- تصدیق نزدیک به یقین (جدل) ۳- گفتارهای باطل (مغالطه) ۴- گفتارهای اقناع‌کننده بدون اینکه تصدیق قطعی باشد (خطابه) ۵- گفتارهایی که موجب تأیید یا تکذیب اقدام، امتناع یا انبساط و انقباض میشوند (شعر)... بیشتر خیالات در این باب کار تصدیق را انجام میدهند، مثال عسل تلخ و تهوع آور است.

ب. عیون الحکمة (انتشارات دارالقلم)، ص ۱۳:

قیاسات شعری که از مقدمات تخیل برانگیز تشکیل میشوند گرچه تصدیق بر آنها تعلق نمیگیرد ولیکن موجب

انبساط طبع انسانی بر امری یا انقباض آن میشوند... با اینکه انسان اینگونه قیاسات را کاذب میداند، اما طبع انسانی آنها را صادق می‌شمارد.

ج . المختصر الأوسط فی المنطق (انتشارات مؤسسه حکمت و فلسفه)، ص ۲۴۹ و ص ۲۵۰:

صورت قیاس گاهی بگونه‌بی است که نه موجب تصدیق و نه موجب گمان میشود بلکه موجب تحریک نفس بر انقباض و کراهت یا انبساط و رغبت بر چیزی میشود... این نوع قیاس در تحریک نفس تأثیر نیرومندی دارد... و قیاس شعری نامیده میشود.

د . نجاه، ج ۱ (انتشارات دانشگاه تهران)، ص ۱۲۱:

متخیلات، مقدماتی هستند که برای تصدیق گفته نمیشوند بلکه برای این گفته میشود که مخاطب بر سبیل محاکات چیزی را بعنوان یک چیز تخیل کند و در اکثر اوقات مورد تبعیت واقع میشود.

ه . تسع رسائل (انتشارات دارالعرب)، ص ۱۱۸:

قسم نهم از انواع قیاسات شامل بر کلام شعری است که چگونه در هر فنی لازم است و انواع کمبود و نقص در آن چیست؟ که کتاب معروف به غرانیطاً که رطوریقی یعنی شعری گفته میشود.

و . دانشنامه‌ی علایی (انتشارات دانشگاه بوعلی سینا)، ص ۱۰ - ۹:

علم منطق آن علم است که اندروی پدید شود حال دانسته شدن نادانسته به دانسته که کدام بود که بحقیقت بوده کدام بود که نزدیک به حقیقت بود و کدام بود که غلط بود و هر یکی چندگونه بود و علم منطق علم ترازو است و علمهای دیگر علم سود و زیان.

و نیز همان، ص ۱۲۶:

مخیلات مقدماتی اند که نفس را بجنابند تا بر چیزی حرص آرد یا از چیزی نفرت گیرد و باشد که نفس داند که دروغ‌اند، چنانکه کسی گوید کسی را که این چیز که تو همی خوری صفرآبر آور است و آن چیز انگبینی بود هر چند که داند دروغ است، طبع نفرت گیرد و نخواهد .

ز . الاشارات و التنبیها (انتشارات نشر البلاغة)، منطق، ص ۵۰:

... قیاسات شعری تألیف میشوند از مقدمات تخیل برانگیز - خود این تخیل صادق باشد یا کاذب خلاصه اینکه از مقدماتی تشکیل میشود که دارای هیئت و ترکیب خاصی باشد که از آن استقبال کند از آن جهت که محاکات است بلکه از آن جهت که صادق است و هیچ مانعی ندارد که چنین باشد و البته وزن و قافیه نیز آنرا رواج بیشتری میبخشد.

نتیجه اینکه: حتی در کتاب اشارات که دو بخشی است نیز ابن سینا قیاسات شعری را بعنوان جزء منطق معرفی میکند. اما در فلسفه چون تنها از مقدمات برهانی استفاده میشود آنرا بتفصیل بیان میکند و به وجوه مغالطه نیز میپردازد.